

چارسوق



عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات دولت سیزدهم در گفت‌وگو با چارسوق خدمات شهید رئیسی به اقتصاد ایران را تشریح کرد:

شهید رئیسی اقتصاد ایران را پس از یک دهه رکود احیاء کرد

شهید رئیسی تمامی اختیارات قانونی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی جهت افزایش قیمت را با مصوبه سران قوا تعلیق کرده بود تا مبادا مردم از طریق افزایش‌های ناگهانی قیمت‌ها و تعرفه‌های تحت نظارت دولت، دچار شوک و بحران شوند. این مورد را با شرایط امروز مقایسه کنید که هر اپراتور یا خودروساز یا مجموعه‌ای که دلش می‌خواهد بدون مصوبه ستاد تنظیم بازار یا سایر نهاد‌های قانونی افزایش قیمت‌های سرخود اعمال کرده و دولت و مردم را در عمل انجام شده قرار می‌دهد.

بارها ولایت‌مداری شهید رئیسی را با تمام وجود حس کردم. در جلسات هیات دولت ایشان همواره آخرین نکات بیان شده رهبر انقلاب در سخنرانی‌هایشان را به صورت دسته‌بندی شده و منسجم به ما وزیر ارائه می‌کردند و دستور می‌دادند که برنامه‌ریزی جدی کنید تا مطالبات حضرت آقا انجام شود. ایشان به دفترشان هم دستور می‌دادند که پیگیر تحقق برنامه‌ریزی‌های ما باشد و نتایج کار را به ایشان گزارش کند.

دوران شهید رئیسی نشان داد که بهانه برای کار نکردن فراوان است اما اگر دولتی به راستی به دنبال کار کردن باشد مردم نتایج آن را در بهبود وضعیت کشور مشاهده خواهند کرد؛ به عبارت دیگر، دولت سیزدهم خط بطلانی بر نظریه بهانه‌گیران قائل به وجود حاکمیت دوگانه کشید و نشان داد دولت‌ها با تبعیت از ولایت می‌توانند کارهای بزرگ را به سرانجام برسانند.



بانک‌ها ۹۸ هزار میلیارد تومان به کارکنان خود وام دادند

بانک‌ها در سال ۱۴۰۳ بیش از ۹۸ هزار میلیارد تومان به کارکنان و مدیران خود وام دادند. این در حالی است که مجموع وام ازدواج پرداخت شده از سوی بانک‌ها در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰۵ هزار میلیارد تومان بود. یعنی

بانک‌ها تقریباً نصف وام ازدواجی که به زوج‌های جوان پرداخت کردند، به کارکنان محدود خود وام داده‌اند. بانک‌ها در سال‌های اخیر به بهانه نداشتن اعتبار، از پرداخت وام ازدواج و افزایش مبلغ آن خودداری کرده‌اند.

این کم‌کاری بانک‌ها سبب ایجاد نصف نیمه میلیونی زوج‌های جوان برای دریافت وام شده است. این در حالی است که در سال ۱۴۰۳ مسعود پزشکیان مدعی شده بود وام ازدواج عامل ناترازی بانک‌ها شده است.

بانک	وام پرداختی به کارکنان و مدیران (میلیارد تومان) در سال ۱۴۰۳
صادرات	۱۳۸۸۶
سپه	۱۳۷۷۲
ملی	۱۲۹۴۰
ملت	۱۱۳۳۹
کشاورزی	۹۵۸۳
تجارت	۹۲۰۳
مسکن	۷۵۲۱
رفاه	۵۱۴۰
شهر	۱۷۲۱
ایران زمین	۱۵۳۶
قرض الحسنه مهر	۱۳۷۱
پاسارگاد	۱۲۵۹
آینده	۱۲۰۵
سینا	۱۱۶۸
پست بانک	۱۱۰۸

بانک	وام پرداختی به کارکنان و مدیران (میلیارد تومان) در سال ۱۴۰۳
سامان	۹۳۰
پارسیان	۹۲۳
توسعه تعاون	۷۶۸
اقتصاد نوین	۶۳۱
صنعت و معدن	۴۶۴
کارآفرین	۴۶۲
توسعه صادرات	۴۶۰
موسسه اعتباری ملل	۳۵۷
دی	۳۱۷
گردشگری	۲۴۱
خاورمیانه	۱۳۰
سرمایه	۷۲
مشترک ایران و ونزوئلا	۵۱
قرض الحسنه رسالت	۸
مجموع	۹۸۵۶۷

انتقاد دکتر پزشکیان نسبت به ناترازی بانک‌ها؛ پرداخت وام ازدواج، فرزند آوری و تولید باعث ناترازی بانک‌ها شده است!

رئیس جمهور در همایش روز ملی صادرات: وضعیت مان به خاطر ناترازی‌ها خوب نیست، اما می‌توانیم از این وضعیت خارج شویم. بانک‌ها چرا ناتراز شده‌اند؟ مصوباتی که ما در مجلس گذاشتیم و تعهداتی که مجلس به گردن دولت‌ها گذاشته با واقعیت همخوانی ندارد. می‌گویید به کسانی که ازدواج کرده‌اند،



وعده افزایش مبلغ کالا برگ چه شد؟

طرح کالا برگ الکترونیکی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی سیاست‌های حمایتی دولت، با هدف حفظ قدرت خرید سفره خانوار در برابر نوسانات قیمتی، به ایستگاه خردادماه رسیده است. در روزهایی که به اذعان مقامات رسمی، همدلی و انفاق نظری نظیری میان ارکان مختلف کشور حاکم است، موضوع معیشت و کالاهای اساسی همچنان در صدر اولویت‌های ستاد اقتصادی دولت قرار دارد. پیش از این نمایندگان مجلس شورای اسلامی و برخی مقامات دولتی از ضرورت ارتقای اعتبار کالا برگ از مبلغ فعلی (یک میلیون تومان به ازای هر نفر) به ارقامی بالاتر سخن گفته بودند. طبق جدول زمان بندی ماهانه، پیش بینی می‌شود مرحله جدید طرح کالا برگ از ۱۵ خردادماه برای دهک‌های هدف فعال شود. روال کار به گونه‌ای طراحی شده است که سرپرستان خانوار در روزهای ۱۵ و ۲۵ هر ماه شاهد شارژ اعتبار در کارت‌های بانکی خود باشند. این اعتبار که اقلامی همچون لبنیات، پروتئین، برنج، روغن، قند و شکر را پوشش می‌دهد، در هزاران فروشگاه زنجیره‌ای و پلنتم‌های آنلاین قابل استفاده است، با این حال، تا این لحظه، اعتبار سیستمی همچنان همان مبلغ یک میلیون تومان سابق است و ابلاغیه رسمی برای تغییر این رقم صادر نشده است. یکی از موضوعاتی که اجرای سریع افزایش اعتبار را با کندی مواجه کرده، ضرورت هماهنگی میان دولت و مجلس است. برخی نمایندگان مجلس معتقدند برای افزایش چشم‌گیر مبلغ کالا برگ، نیاز به اصلاح قانون بوده و ارسال لایحه از سوی دولت است. اکنون سؤالی که ذهن بسیاری از مشمولان این طرح را به خود مشغول کرده، این است: آیا اعتبار خردادماه با رقم جدید شارژ خواهد شد یا افزایش موقوف به ماه‌های آینده می‌شود؟ یا توجه به اینکه کمتر از چند روز به آغاز مرحله جدید باقی مانده است، جامعه هدف انتظار دارد تکلیف رقم نهایی هرچه سریع‌تر مشخص شود تا بتوانند برای خرید کالاهای اساسی خود برنامه‌ریزی کنند.

علت بزرگنمایی در ارقام واردات بنزین چیست؟



در یک سال اخیر مستولان ارشد دولت چهاردهم ارقام متفاوتی درباره نیاز کشور به واردات بنزین مطرح کرده‌اند: ۱۶ آذر ۱۴۰۴ مسعود پزشکیان اعلام کرد که دولت ۴ میلیارد دلار صرف واردات بنزین می‌کند. ۵ دی ۱۴۰۴ پزشکیان ۲ میلیارد دلار دیگر به رقم واردات بنزین اضافه کرد و آن را ۶ میلیارد دلار عنوان کرد. ۵ دی ۱۴۰۴ دیوان محاسبات، اظهارات پزشکیان را تکذیب و اعلام کرد بر اساس بررسی‌های مستند و مبتنی بر مدارک مثبت هزینه واردات بنزین تا پایان آذرماه سال ۱۴۰۴ بالغ بر ۱.۸ میلیارد دلار بوده است. همچنین مطابق تحلیل الگوی مصرف، روند عملیاتی واردات، ظرفیت تولید داخلی و قراردادهای منعقد شده، برآورد حد اکثری از هزینه واردات بنزین تا پایان سال ۱۴۰۴ نیز رقمی در حدود ۲.۷ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود. ۹ خرداد ۱۴۰۵ اسحاق افشاری معاون پزشکیان ادعا کرد سال گذشته ۵.۵ میلیارد دلار برای واردات بنزین اختصاص یافته است درباره نیاز کشور به واردات بنزین در سال جاری هم تاکنون ارقام مختلفی اعلام شده است. ۱ خرداد ۱۴۰۵ اسحاق افشاری معاون پزشکیان گفت برای امسال پیش بینی می‌شود بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار از بودجه مملکت صرف واردات بنزین شود. اما او سخنان را در ۹ خرداد عوض کرد و گفت: روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین نیاز به واردات داریم که سالانه ۸ میلیارد دلار ارزیابی دارد. از سوی دیگر صادق الحسینی، مشاور و همکار سابق اسحاق افشاری و عبدالناصر همتی هم اخیراً مدعی شدند که اگر قیمت بنزین را آزاد نکنیم امسال ۱۴.۵ میلیارد دلار باید بنزین وارد کنیم. نکته پایانی اینکه هدف از ارائه آمارهای اغراق آمیز توسط دولتی‌ها درباره واردات بنزین کاملاً مشخص است.

بازار ممکن است از حالت کمبود خارج شود، اما سطح جدید قیمت همچنان بالا بماند.

مرغ منجمد؛ ابزار کنترل مقطعی بازار

در کوتاه‌مدت، توزیع مرغ منجمد می‌تواند بخشی از فشار بازار را کاهش دهد. وقتی مرغ گرم با کمبود روبه‌رو می‌شود، ذخایر منجمد به‌عنوان ضربه‌گیر وارد بازار می‌شود و اجازه نمی‌دهد جهش قیمت شدیدتر شود. این سیاست برای مهار التهاب مفید است، اما مشکل اصلی را حل نمی‌کند.

ریشه مسئله در تنظیم زنجیره تولید است، نه فقط در توزیع ذخایر. اگر جوجه‌ریزی، تأمین نهاده و نقدینگی مرعداران در مسیر پایدار قرار نگیرد، بازار دوباره با نوسان روبه‌رو می‌شود. توزیع مرغ منجمد می‌تواند چند هفته زمان بخرد، اما امنیت عرضه زمانی تقویت می‌شود که تولیدکننده بتواند با اطمینان دوره بعدی جوجه‌ریزی را آغاز کند.

افزایش جوجه‌ریزی اردیبهشت کافی است؟

افزایش جوجه‌ریزی اردیبهشت به حدود ۱۲۰ میلیون قطعه و پیش‌بینی ۱۳۰ میلیون قطعه برای خرداد، نشانه بهبود نسبی در طرف عرضه است. طبق برآوردهای مطرح‌شده در بازار، این افزایش می‌تواند از فروردین تا پایان خرداد حدود ۷۵ هزار تن به تولید اضافه کند.

اما این بهبود به معنای پایان قطعی بحران نیست. نخست اینکه مرغ حاصل از جوجه‌ریزی اردیبهشت با تأخیر وارد بازار می‌شود. دوم اینکه عدد ۱۲۰ میلیون قطعه همچنان با سطح ۱۷۰ میلیون قطعه آذر فاصله زیادی دارد. سوم اینکه اگر قیمت نهاده، نقدینگی و قیمت فروش مرغ به تعادل نرسد، انگیزه جوجه‌ریزی در ماه‌های بعد دوباره تضعیف می‌شود.

بازار مرغ به ثبات نیاز دارد. تولیدکننده باید بداند نهاده را با چه قیمتی و در چه زمانی دریافت می‌کند. مصرف‌کننده باید بتواند قیمت مرغ را در سبد هزینه خود پیش‌بینی کند. دولت هم باید از سیاست‌های واکنشی و مقطعی فاصله بگیرد و سازگاری طراحی کند که هم تولیدکننده زیان نبیند و هم مصرف‌کننده با جهش ناگهانی قیمت روبه‌رو نشود.

فشار مستقیم بر سبد پروتئین خانواده‌ها

افزایش قیمت مرغ فقط یک نوسان صغفی یا اختلال در بازار یک کالا نیست. مرغ برای بخش بزرگی از خانوارهای ایرانی، در دسترس‌ترین منبع پروتئین حیوانی است. وقتی قیمت مرغ بسالای رود، خانواده کم‌درآمد معمولاً امکان جایگزینی کامل آن با گوشت قرمز یا ماهی را ندارند. نتیجه این است که مصرف پروتئین کاهش پیدا می‌کند یا خانواده به سمت قطعات ارزان‌تر مرغ منجمد، تخم‌مرغ یا فرآورده‌های جانبی می‌رود. این تغییر، ظاهر سفره را حفظ می‌کند، اما کیفیت تغذیه را کاهش می‌دهد.

”

بازار مرغ به ثبات نیاز دارد. تولیدکننده باید بداند نهاده را با چه قیمتی و در چه زمانی دریافت می‌کند. مصرف‌کننده باید بتواند قیمت مرغ را در سبد هزینه خود پیش‌بینی کند. دولت هم باید از سیاست‌های واکنشی و مقطعی فاصله بگیرد و سازوکاری طراحی کند که هم تولیدکننده زیان نبیند و هم مصرف‌کننده با جهش ناگهانی قیمت روبه‌رو نشود

در محدوده ۳۴۵ تا ۳۶۵ هزار تومان گزارش شده بود. این جهش قیمت نشان می‌دهد افت جوجه‌ریزی در اسفند و فروردین، از اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد بود. حتی اگر جوجه‌ریزی در ماه‌های بعد افزایش پیدا کند، مرعدار همچنان با نهاده گران، سرمایه در گردش محدود، هزینه حمل‌ونقل، دارو، واکسن و ریسک قیمت‌گذاری روبه‌رو است. به همین دلیل، بازار فقط با افزایش تعداد جوجه مرغ تا هزینه نهاده چند برابر نیست. اگر هزینه نهاده چند برابر شود، حتی افزایش جوجه‌ریزی هم قیمت تمام‌شده را به سطح قبل بازمی‌گرداند. در چنین شرایطی، افزایش تولید می‌تواند کمبود فیزیکی را کم کند، اما نوان کاهش قیمت محدودی دارد.

چرا مرغ تا ۴۶۰ هزار تومان بالا رفت؟

افزایش قیمت مرغ از دو مسر هم‌زمان تغذیه شد. مسیر اول، کاهش عرضه فیزیکی مرغ بود. اگر جوجه‌ریزی از میانگین ۱۴۰ تا ۱۵۰ میلیونی در یک ماه به محدوده ۱۰۰ میلیون قطعه برسد، تولید مرغ آماده عرضه در ماه بعد کاهش پیدا می‌کند. این کاهش در بازاری رخ داد که مرغ همچنان یکی از اصلی‌ترین کالاهای پروتئینی خانواده

” گزارش

کاهش جوجه‌ریزی اسفند و فروردین ۱۴۰۵، فاصله‌ای حدود دو ماهه به بازار مصرف رسید و به یکی از عوامل اصلی جهش قیمت مرغ تبدیل شد. در حالی که جوجه‌ریزی به حدود ۱۰۰ میلیون قطعه در اسفند و کمتر از آن در فروردین ۱۴۰۵ رسید، قیمت مرغ در روزهای اخیر در برخی گزارش‌ها تا کیلویی ۴۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. افزایش جوجه‌ریزی اردیبهشت به حدود ۱۲۰ میلیون قطعه و پیش‌بینی ۱۳۰ میلیون قطعه برای خرداد می‌تواند بخشی از کمبود عرضه را جبران کند، اما تا زمانی که هزینه نهاده، نقدینگی تولید و قدرت خرید خانواده‌ها به تعادل نرسد، بازگشت پایدار قیمت مرغ به سطح قبلی امکان‌پذیر نیست. به دلیل جهش هزینه تولید مرغ در زمستان ۱۴۰۴، افزایش تولید می‌تواند کمبود فیزیکی را کم کند، اما توان کاهش قیمت محدودی دارد.

گزارش‌های بازار از رشد قیمت مرغ تا کیلویی ۴۶۰ هزار تومان در روزهای اخیر خبر داده‌اند؛ درحالی‌که در هفته منتهی به ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵، قیمت هر کیلوگرم مرغ

”

واردات کالاهای اساسی از امارات تنها با ۷ شرکت

تمرکز واردات کالای اساسی در ۷ شرکت و تجارت پنهان ۱۶ میلیارد دلاری با امارات از چالش‌های تجارت با این کشور است.

بررسی‌های یک گزارش پژوهشی درباره روابط اقتصادی ایران و امارات نشان می‌دهد بخش مهمی از واردات کالاهای اساسی کشور از مسیر امارات انجام می‌شود؛ روندی که علاوه بر افزایش هزینه‌های ارزی، وابستگی تأمین کالاهای حیاتی کشور به شبکه‌های پرداخت غیررسمی مستقر در این کشور را تشدید کرده و مخاطراتی برای امنیت اقتصادی و غذایی ایران ایجاد کرده است.

تمرکز واردات کالاهای اساسی در چند شرکت محدود

بررسی داده‌های تجاری ایران و امارات نشان می‌دهد از میان ۱۰ شرکتی که بیشترین حجم واردات از امارات را در سال‌های اخیر انجام داده‌اند، هفت شرکت در حوزه واردات کالاهای اساسی فعالیت دارند. این موضوع بیانگر سهم غالب توجه کالاهای اساسی در سبد وارداتی ایران از امارات است. در عین حال، حجم قابل توجهی از این واردات در اختیار تعداد محدودی شرکت قرار دارد؛ موضوعی که به اعتقاد نویسندگان گزارش، خطر شکل‌گیری انحصار در تأمین کالاهای اساسی را افزایش داده و می‌تواند امنیت غذایی کشور را در شرایط بحرانی با چالش مواجه کند.

امارات: حلقه واسط تأمین غذای ایران

مطابق این گزارش، اگرچه منابع ارزی واردات کالاهای اساسی عمدتاً از محل صادرات نفت و سایر درآمدهای دولتی تأمین می‌شود، اما کالاهای اساسی یکسان نیست. به عنوان مثال، چین یکی از مهم‌ترین مقاصد صادرات نفت ایران محسوب می‌شود، اما نه تولیدکننده اصلی کالاهای اساسی مورد نیاز کشور است و نه تسویه مالی این کالاها در انجام می‌شود. در نتیجه، بخش مهمی از ارز حاصل از صادرات نفت ایران ابتدا از کشورهایمانند چین به

شبکه‌های مالی و پرداخت غیررسمی در کشورهایی نظیر امارات منتقل می‌شود و سپس برای خرید کالاهای اساسی از کشورهایی مانند برزیل، روسیه و سایر تأمین‌کنندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد تهیه‌کنندگان گزارش، این ساختار نه تنها وابستگی واردات کشور به امارات را افزایش داده، بلکه امکان رصد و رهگیری تراکنش‌های مالی ایران توسط کشورهای همسو یا تحریم‌ها را نیز فراهم کرده است. افزون بر این، استفاده از واسطه‌های مالی مستقر در امارات هزینه‌های سنگینی را به اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

هزینه‌های پنهان تجارت از مسیر امارات

براساس این گزارش، انتقال ارز از شبکه‌های غیررسمی مستقر در امارات برای این اقدام، کارمزدها و هزینه‌های جانبی قابل توجهی به همراه دارد؛ به گونه‌ای که در برخی موارد هزینه‌های تحمیل‌شده به بیش از ۱۰ درصد ارزش معامله می‌رسد. نویسندگان گزارش معتقدند بخشی از این هزینه‌ها ناشی از فعالیت واسطه‌های متعدد، شبکه‌های تسویه غیررسمی و ساختار موسوم به «تجارت ترانزستی‌محور» است که طی سال‌های تحریم به یکی از کانال‌های اصلی تجارت خارجی ایران تبدیل شده است.

بر همین اساس، در گزارش پیشنهاد شده است دولت برای کاهش ریسک‌های موجود، تنوع بخشی به شیوه‌های تسویه ارزی واردات کالاهای اساسی را در دستور کار قرار دهد.

پیشنهاد خرید مستقیم از کشورهای مبدأ

یکی از راهکارهای مطرح‌شده در گزارش، استفاده مستقیم از منابع ارزی حاصل از صادرات نفت برای خرید کالاهای اساسی در محل ایجاد ارز است. براساس این پیشنهاد، به جای انتقال ارزهای نفتی به شبکه‌های غیررسمی مستقر در امارات، می‌توان از طریق تسویه مستقیم بدهی خریداران نفت ایران



ثمرات شوک ارزی به بازار مصرف رسید

مرغ ۴۶۰ هزار تومانی

نتیجه افت ۷۰ میلیونی جوجه‌ریزی

” گزارش

کاهش جوجه‌ریزی اسفند و فروردین ۱۴۰۵، فاصله‌ای حدود دو ماهه به بازار مصرف رسید و به یکی از عوامل اصلی جهش قیمت مرغ تبدیل شد. در حالی که جوجه‌ریزی به حدود ۱۰۰ میلیون قطعه در اسفند و کمتر از آن در فروردین ۱۴۰۵ رسید، قیمت مرغ در روزهای اخیر در برخی گزارش‌ها تا کیلویی ۴۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. افزایش جوجه‌ریزی اردیبهشت به حدود ۱۲۰ میلیون قطعه و پیش‌بینی ۱۳۰ میلیون قطعه برای خرداد می‌تواند بخشی از کمبود عرضه را جبران کند، اما تا زمانی که هزینه نهاده، نقدینگی تولید و قدرت خرید خانواده‌ها به تعادل نرسد، بازگشت پایدار قیمت مرغ به سطح قبلی امکان‌پذیر نیست. به دلیل جهش هزینه تولید مرغ در زمستان ۱۴۰۴، افزایش تولید می‌تواند کمبود فیزیکی را کم کند، اما توان کاهش قیمت محدودی دارد.

گزارش‌های بازار از رشد قیمت مرغ تا کیلویی ۴۶۰ هزار تومان در روزهای اخیر خبر داده‌اند؛ درحالی‌که در هفته منتهی به ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵، قیمت هر کیلوگرم مرغ

” اخبار



رشد قیمت در سبد کالا برگ

رشد ۱۷ درصدی قیمت کالاهای مشمول کالا برگ پس از جنگ ۴۰ روزه، بار دیگر بحث بازنگری در رقم کالا برگ را جدی کرد.

وزیر جهاد کشاورزی اخیراً توضیحاتی درباره روند افزایش قیمت کالاهای اساسی و وضعیت اقلام مشمول طرح کالا برگ الکترونیکی ارائه کرد. بخشی از این اظهارات به گزارش رسمی وزارت اقتصاد درباره تغییرات قیمتی کالاهای مشمول کالا برگ اختصاص داشت؛ گزارشی که نشان می‌دهد متوسط قیمت این کالاها در فاصله پیش و پس از جنگ ۴۰ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، حدود ۱۷ درصد افزایش یافته است.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که طی ماه‌های اخیر روند افزایشی قیمت کالاهای اساسی، بحث ضرورت بازنگری در مبلغ اعتبار کالا برگ را به یکی از مطالبات جدی خانوارها و کارشناسان اقتصادی تبدیل کرده است. از همین رو انتشار آمار رسمی درباره رشد قیمت‌ها می‌تواند مبنای مهمی برای تصمیم‌گیری‌های آتی دولت در حوزه حمایت‌های معیشتی باشد.

در این میان دو پرسش اساسی مطرح است. نخست آنکه آیا افزایش متوسط ۱۷ درصدی قیمت کالاهای مشمول کالا برگ، مبنای دولت برای تعیین رقم جدید اعتبار کالا برگ خواهد بود یا خیر؟ در صورتی که دولت این شاخص را به عنوان معیار رسمی افزایش هزینه سبد کالا برگی بپذیرد، انتظار می‌رود مبلغ اعتبار تخصیصی نیز متناسب با این تغییرات مورد بازنگری قرار گیرد تا قدرت خرید خانوارهای هدف به صورت حداقلی حفظ شود. پرسش دوم به نحوه انتشار آمارها و گزارش‌های مرتبط بازمی‌گردد. گزارش‌های آماری از این دست نباید صرفاً در سطح دستگاه‌های اجرایی و جلسات دولتی باقی بماند، بلکه لازم است به صورت عمومی نیز منتشر شود. انتشار عمومی داده‌ها امکان ارزیابی و قضاوت دقیق تر کارشناسان، رسانه‌ها و افکار عمومی را فراهم می‌کند

و می‌تواند به افزایش شفافیت در سیاست‌گذاری‌های حمایتی منجر شود. با این حال بررسی متغیرهای اثرگذار بر قیمت کالاهای اساسی نشان می‌دهد که موضوع تنها به تحولات مقطعی بازار محدود نیست. هم‌اکنون دو نرخ متفاوت برای تأمین ارز واردات کالاهای اساسی در اقتصاد ایران وجود دارد. بخشی از واردات، به ویژه در برخی استان‌های مرزی از طریق روبه‌های بدون انتقال ارز، بازخ‌های نزدیک به بازار آزاد انجام می‌شود. در مقابل، بخش دیگری از واردات از محل ارز تأمین‌شده از طریق مرکز مبادله ارز و طلا بانک مرکزی صورت می‌گیرد که نرخ آن در حال حاضر در محدوده ۱۴۷ هزار تومان قرار دارد. این در حالی است که تا پایان سال ۱۴۰۴، مبنای تأمین ارز کالاهای اساسی از سوی بانک مرکزی حدود ۱۱۲ هزار تومان بود. به عبارت دیگر، نرخ ارز مورد استفاده برای واردات این کالاها نسبت به سال گذشته حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است؛ موضوعی که به طور طبیعی می‌تواند فشار هزینه‌ای قابل توجهی بر زنجیره تأمین و در نهایت قیمت مصرف‌کننده وارد کند. این افزایش ۲۰ درصدی از آنجا که فروش ارز از منابع دولتی صورت گرفته عدلاً منجر به افزایش درآمد دولت می‌شود و یک منبع مشخص برای افزایش رقم کالا برگ محسوب می‌گردد.

در چنین شرایطی، تعیین تکلیف مبلغ جدید کالا برگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرده است که تصمیم‌گیری نهایی درباره رقم جدید اعتبار کالا برگ در حوزه مسئولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دارد و جزئیات آن باید از سوی این وزارتخانه اعلام شود. بر این اساس، اکنون نگاه‌ها به تصمیم دولت درباره نحوه جبران کاهش قدرت خرید خانوارها دوخته شده است. اگرچه گزارش وزارت اقتصاد از رشد ۱۷ درصدی قیمت کالاهای مشمول کالا برگ پرده برداشته، اما پرسش اصلی همچنان باقی‌مانده است: آیا اعتبار کالا برگ نیز متناسب با این افزایش قیمت‌ها اصلاح خواهد شد یا خانوارها باید بخشی از این افزایش هزینه‌را از منابع درآمدی خود تأمین کنند؟

بنادر امارات قربانی کریدور زمینی ایران و پاکستان

افتتاح کریدور زمینی ایران و پاکستان، انحصار دریایی امارات در ترانزیت غرب آسیا را شکست؛ مسیری که با اتصال به کریدور ۶۰ میلیارد دلاری چین‌ها، محاصره تنگه هرمز را دور می‌زند.

دستور کار جدید ایران برای دور زدن تنگه هرمز این بار روی زمین کلید خورد. کریدور تازه افتتاح‌شده میان تهران و اسلام‌آباد که بر پایه توافق حمل‌ونقل جاده‌ای ۲۰۰۸ دو کشور فعال شده، اکنون شش مسیر زمینی را از بنادر کلیدی پاکستان (گوادر، کراچی و بندر قاسم) به گذرگاه‌های مرزی ایران در نقتان و گبد متصل می‌کند. هدف فعال سازی این کریدور، جابجایی کالا از جنوب به شمال بدون نگرانی از ناوهای آمریکایی و محدودیت‌های دریایی است. طبق گزارش شورای امور بین‌الملل روسیه (RIAC)، نخستین محموله تجاری این کریدور موفق شده به تاشکند، پایتخت ازبکستان برسد. اما نقطه عطف این پروژه، پیوند آن با کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) است. ایران از طریق مرزهای جنوب شرقی خود می‌تواند به شبکه‌های ۳۰۰۰ کیلومتری متصل شود که غرب چین را به اقیانوس هند پیوند می‌دهد. تحلیلگران می‌گویند این اتصال، مسیری جدید برای تجارت تهران با پکن و کشورهای آسیای مرکزی گشوده و فشار ناشی از تحریم‌های دریایی را کاهش خواهد داد. در سوی دیگر، پاکستان نیز با استفاده از این کریدور، وابستگی خود به مسیر ناپایدار ترانزیتی افغانستان را کنار می‌گذارد. اسلام‌آباد که در سال‌های اخیر تنش‌های مرزی شدیدی با کابل داشته، اکنون راهی مستقیم و امن به بازارهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان یافته است.

هم‌زمان، ایران پروژه راه‌آهن چابهار-زاهدان را با پیشرفت بیش‌تر از ۹۰ درصد دنبال می‌کند. این خط ریلی که تا پایان بهار ۲۰۲۶ به بهره‌برداری می‌رسد، بخشی از کریدور شمال-جنوب محسوب می‌شود و قرار است بنادر جنوبی ایران را به روسیه و آسیای مرکزی متصل کند. کارشناسان معتقدند که ترکیب این دو کریدور (شرقی-غربی و شمال-جنوب) یک مثلث لجستیکی پدید می‌آورد که نقش ایران را از یک کشور ترانزیتی به هاب منطقه‌ای ارتقا می‌دهد. در این میان، بازنده بزرگ میدان امارات متحده عربی است. بی‌دوبطنی که سال‌ها قطب اصلی ترانزیت دری اکسپورت (صادرات مجدد) کالا به ایران و آسیای مرکزی بودند، اکنون با کریدوری زمینی و کم‌هزینه مواجه شده‌اند. هرچند کارشناسان تأکید دارند جاده‌ها هرگز جایگزین کامل کشتی‌ها نمی‌شوند، اما در شرایط بحرانی و تشدید تنش‌های نظامی در تنگه هرمز، همین مسیرهای زمینی می‌توانند جریان تجارت را زنده نگه دارند.

حدود ۱۶ میلیارد دلار وجود دارد؛ شکافی که از نگاه نویسندگان گزارش، نشانه وجود یک خرجه بزرگ تجارت کالا و جابه‌جایی ارز در خارج از شبکه‌های رسمی پرداخت است.

برآورد قاچاق: امارات در کانون ورود کالای غیررسمی

گزارش همچنین به موضوع قاچاق کالا و نقش امارات در این زمینه پرداخته است. براساس ارزیابی‌های ارائه‌شده، حجم قاچاق ورودی به ایران طی سال‌های مختلف بین ۲۵ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد شده است. با این حال، پژوهشگران معتقدند به دلیل محدودیت‌های ارزی سال‌های اخیر، ظرفیت رشد قاچاق نیز کاهش یافته و حجم واقعی آن اکنون احتمالاً در محدوده ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار قرار دارد.

در بخش دیگری از گزارش تصریح شده است که امارات سهم مهمی در ورود کالاهای قاچاق به کشور دارد و برخی برآورد‌های میانه، حجم این تجارت را تا ۸ میلیارد دلار در سال تخمین می‌زنند. منابع تأمین مالی این تجارت نیز عمدتاً از محل قاچاق سوخت، بیش‌اظهاری واردات، کم‌اظهاری صادرات و عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات شکل می‌گیرد.

هدشار درباره وابستگی راهبردی به امارات

جمع‌بندی گزارش نشان می‌دهد وابستگی گسترده واردات کالاهای اساسی و همچنین بخش مهمی از تسویه‌های ارزی کشور به شبکه‌های مالی و تجاری مستقر در امارات، به یک چالش راهبردی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. به اعتقاد نویسندگان، ادامه این وضعیت می‌تواند تأمین کالاهای حیاتی کشور را تحت تأثیر تصمیمات و سیاست‌های کشوری قرار دهد که در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران همسو نیست. از این رو اصلاح نظام پرداخت ارزی، توسعه کانال‌های رسمی تجارت و کاهش نقش واسطه‌های مستقر در امارات، از مهم‌ترین الزامات تقویت امنیت اقتصادی و غذایی کشور در سال‌های آینده به شمار می‌رود.

”

انتقال ارز از شبکه‌های غیررسمی مستقر در امارات برای واردات کالاهای اساسی، کارمزدها و هزینه‌های جانبی قابل توجهی به همراه دارد؛ به گونه‌ای که در برخی موارد هزینه‌های تحمیل‌شده به بیش از ۱۰ درصد ارزش معامله می‌رسد



کند که خارج از شبکه‌های رسمی و شفاف انجام می‌شود.

براساس داده‌های مورد استناد گزارش، امارات در سال ۲۰۲۴ مجموع صادرات و صادرات مجدد خود به ایران را حدود ۶ میلیارد دلار اعلام کرده است؛ این در حالی است که ایران در همان سال میزان واردات خود از امارات را حدود ۲۲ میلیارد دلار گزارش کرده است. به عبارت دیگر، میان آمار دو کشور شکافی در

یا با استفاده از ظرفیت شرکت‌های دولتی و نهادهای مالی کشورهای همکار، اقدام به خرید مستقیم کالاهای اساسی کرد.

به اعتقاد تهیه‌کنندگان گزارش، این اقدام علاوه بر کاهش هزینه‌های ارزی، موجب حذف واسطه‌های غیرضروری، افزایش شفافیت، کاهش ریسک تحریم و صرفه‌جویی قابل توجه در هزینه واردات خواهد شد. در گزارش تأکید شده است که خروج نظام پرداخت ارزی واردات کالاهای اساسی از کانال شرکت‌های مستقر در امارات و توسعه سازوکارهای رسمی پرداخت با کشورهای همسو با ایران، یکی از الزامات کاهش آسیب‌پذیری کشور در حوزه تأمین کالاهای اساسی به شمار می‌رود.

تجارت غیررسمی: حلقه پنهان ۱۶ میلیارد دلاری ایران و امارات

بخش دیگری از گزارش به برآورد حجم تجارت غیررسمی میان ایران و امارات اختصاص دارد. در این بخش، پژوهشگران برای تخمین حجم تجارت غیررسمی از روش «آمار آینه‌ای» یا مقایسه آماریهای گمرکی دو کشور استفاده کرده‌اند. در این روش، آمار واردات ثبت‌شده توسط ایران با آمار صادرات ثبت‌شده از سوی امارات مقایسه می‌شود. اختلاف میان این دو رقم می‌تواند تصویری از حجم تجاری ارائه



فعل تعطیلی بر شورای عالی اشتغال؛ از جلسات بی ثمر تا مشارکت تزئینی

سمیه کلپور

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران

در شرایطی که اقتصاد ایران تحت تأثیر تلاطم‌های منطقه‌ای و آثار مستقیم و غیرمستقیم «جنگ ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان» قرار دارد، انتظار می‌رفت نهادهای حاکمیتی با رویکردی جهادی به میدان بایند. اما پیش از یک سال از آخرین جلسه شورای عالی اشتغال به ریاست رئیس جمهور می‌گذرد. این سکوت در حالی رخ می‌دهد که معیشت میلیون‌ها کارگردر خطر است.

۱. فلسفه وجودی شورای عالی اشتغال؛ ستاد فرماندهی با محفل شریفیاتی؟

شورای عالی اشتغال بر اساس قانون، ستاد عالی سیاست‌گذاری برای ایجاد اشتغال و پایداری مشاغل است. فلسفه حضور رئیس جمهور در رأس این شورا، ایجاد هم‌افزایی میان دستگاه‌ها است. اما متأسفانه در دولت‌های مختلف، این شورا از کارکرد اصلی خود فاصله گرفته و در دولت فعلی نیز عملاً به حالت تعلیق درآمده است.

۲. مشارکت تزئینی نماینده کارگر و کارفرما؛ ذبح سه جانبه‌گرایی در جلسات

یکی از آسیب‌های جدی و دیرینه که در این دولت نیز تداوم یافته، برخورد تشسریفیاتی با نمایندگان کارگری و کارفرمایی است. در حالی که اصل «سه جانبه‌گرایی» رکن اصلی تصمیم‌گیری‌های حوزه کار است، اما در عمل، نمایندگان کارگران و نمایندگان کارفرمایان «زینت‌المجالس» هستند؛ از ما دعوت می‌شود تا صرفاً و پرتیرین جلسه تکمیل شود.

سهام ناچیز از تریبون بیان مطالبات و پیشنهادات راهبردی؛ حتی در صورت درخواست رسمی برای بیان مطالبات، با وقتی به ما داده نمی‌شود و یا در صورت لطف مسئولان، تنها کمتر از یک دقیقه فرصت صحبت داریم که در آن زمان کوتاه، عملاً طرح مسائل تخصصی و بحران‌های کارگری وجود ندارد. مصوبات پشت درهای بسته؛ پیش‌نویس مصوباتی که قرار است سرنویشت میلیون‌ها نفر تعیین کند، به جای آنکه از قبل در اختیار تشکل‌ها قرار گیرد تا روی آن کارگزارشناسی انجام شود، در همان لحظه جلسه روی میز گذاشته می‌شود. در نهایت هم مشارکت ما صرفاً به «صلوات پایانی» و تأیید صوری تصمیماتی که از قبل گرفته شده، محدود می‌شود. این یعنی مشارکت صفر؛ چه قبل، چه حین و چه بعد از جلسات.

۳. نقد عملکرد دولت در بحران بیکاری

یک سال عدم تشکیل جلسه این شورا، نشان‌دهنده خارج شدن اولویت «اشتغال» از دستور کار مستقیم دولت است. این انفعال در حالی است که «جنگ رمضان» و تبعات اقتصادی آن، فشار مضاعفی بر پایداری مشاغل وارد کرده است. وقتی شورای عالی اشتغال تعطیل است، یعنی فرماندهی واحد برای مقابله با بیکاری میلیون‌ها نفر وجود ندارد.

۴. اشتغال؛ مطالبه اول امام شهید حضرت امام خاتمه‌ای

امام شهید، بارها مسئله اشتغال را «حیاتی‌ترین» موضوع کشور برشمردند و فرموده‌اند: «مسئولین باید مسئله اشتغال را در اولویت اول قرار دهند.» ایشان همواره بر نقش مردم و تشکل‌ها در حل مشکلات تأکید دارند. اما سؤال اینجاست که آیا نادرده گرفتن نمایندگان قانونی کارگران و تعطیل کردن جلسات، با منظومه فکری رهبری در خصوص «مردم‌سازی اقتصاد» سازگار است؟

نتیجه‌گیری و مطالبه

به عنوان نماینده کارگران ایران، صراحتاً اعلام می‌کنم که ما دیگر نقش «زینت‌المجالس» را نمی‌پذیریم. شورای عالی اشتغال باید فوراً به ریاست رئیس جمهور تشکیل شود، اما نه برای یک نشست نمایشی، ما خواهان مشارکت واقعی در تدوین پیش‌نویس‌ها، اختصاص وقت کافی برای بیان چالش‌های میدانی کارگران و نظارت جدی بر اجرای مصوبات مستقیم. در شرایطی که بحران‌های منطقه‌ای معیشت را تشنه‌تر کرده‌اند، بی‌توجهی به شورای عالی اشتغال، بازی با امنیت شغلی میلیون‌ها ایرانی است.

هزینه ۶۰ میلیاردی مصرف‌کنندگان آمریکایی به دلیل جنگ

به دلیل جنگ علیه ایران هزینه خانوار آمریکایی بیش از ۶۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است.

به گزارش سی‌ان‌بی‌سی؛ از زمان آغاز جنگ با ایران، هر خانوار در آمریکا به‌طور میانگین نزدیک به ۴۵۰ دلار هزینه اضافی بابت انرژی متحمل شده است. داده‌های مؤسسه مودرن‌آنالیتیکس نشان می‌دهد از ۲۸ فوریه (۱۰ اسفند) تاکنون، هر خانوار آمریکایی ۴۴۷٫۱۹ دلار بیشتر برای سوخت پرداخت کرده است. این افزایش هزینه‌ها، در نتیجه جهش قیمت بنزین و بلیت هواپیما، در مجموع ۶۰ میلیارد دلار به مصرف‌کنندگان آمریکایی فشار آورده است. با گذشت سه ماه از جنگ علیه ایران، این آمارها ابعاد تازه‌ای از آسیب اقتصادی را نشان می‌دهد. افزایش هزینه‌های انرژی، بسیاری از خانواده‌ها را مجبور کرده است که پس از انداختن خود را مصرف‌کنند یا به وام ویدی‌هی روی بیاورند. ماک‌زند، اقتصاددان ارشد مودیز، می‌گوید: مصرف‌کنندگان تحت فشار مالی چاره‌ای جز محتاط‌تر شدن در مخارج خود ندارند. این موضوع، اقتصادی را که از قبل ضعیف است، بیشتر تهدید می‌کند؛ همچنین اگر قیمت‌ها در سطح فعلی باقی بمانند، در یک‌سالگی جنگ، هر خانوار به‌طور میانگین حدود ۲۰۰۰ دلار ضربه خواهد خورد.

بیش از ۴۷ درصدی قیمت بنزین در یک‌ماه

بنزین، حدود نیمی از افزایش هزینه‌های انرژی مربوط به بنزین است. هر گالن بنزین معمولی در آمریکا روز جمعه ۴٫۳۹ دلار بوده که از ابتدای مارس پیش از ۴٫۱۷ رشد داشته است.

گازوئیل؛ افزایش قیمت گازوئیل (مصرف در کامیون‌ها و قایق‌ها) بیش از ۲۰ میلیارد دلار هزینه اضافی ایجاد کرده است. قیمت گازوئیل نیز از ابتدای مارس حدود ۴٫۲۷٪ جهش داشته و به ۵٫۵۲ دلار در هر گالن رسیده است. **سوخت هواپیما؛** افزایش بهای سوخت هواپیما نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار به مصرف‌کنندگان ضرر زده و قیمت بلیت هواپیما در آوریل نسبت به سال قبل بیش از ۲۰٪ افزایش یافته است.

این فشار ۲۵۰ دلاری، افزایش ۲۸۴ دلاری ناشی از بازپرداخت مالیات بیشتر به زدی هر خانوار (تحت برنامه «لایحه بزرگ و زیاده») را خنثی کرده است. به گفته آزادی، بیشتر مزایای کاهش مالیات پیش‌تر از بین رفته بود.

■ دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۵

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ شماره ۴۷۳

■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

اوراق گام

اوراق گام در اقتصاد جنگی؛

تأمین سرمایه در گردش بدون فشار تورمی

گزارش

در شرایط جنگ و نااطمینانی، اوراق گام می‌تواند سرمایه در گردش بانگاه‌ها را بدون خلق پول جدید تأمین کند و فشار تورمی را کاهش دهد.

جنگ‌ها فقط میدان درگیری نظامی نیستند. آن‌ها معمولاً اقتصاد را نیز با شوک‌های سنگین و چندلایه روبه‌رو می‌کنند. در چنین دوره‌هایی نخستین اثری که بر فضای کسب‌وکار دیده می‌شود افزایش نااطمینانی است. این نااطمینانی خیلی زود خود را در بازار پول و اعتبار نشان می‌دهد. بانک‌ها محتاط‌تر می‌شوند. هزینه تأمین مالی بالا می‌رود. ریسک‌نکول افزایش پیدا می‌کند و بنگاه‌های تولیدی برای دسترسی به سرمایه در گردش با دشواری بیشتری روبه‌رو می‌شوند.

در این وضعیت تولیدکننده‌ای که باید مواد اولیه بخرد، دستمزد پرداخت کند، هزینه حمل‌ونقل و انرژی را برپیرازد و سفارش‌های جاری خود را تحویل دهد، با یک بحران جدی مواجه می‌شود. از یک‌سو دریافت تسهیلات بانکی دشوارتر و گران‌تر می‌شود و از سوی دیگر بازار سرمایه نیز به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط توان پاسخگویی سریع به نیازهای روزمره تولید را ندارد. در نتیجه شکافی شکل می‌گیرد که اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود می‌تواند به افت تولید، تعطیلی خطوط تولید و گسترش فشار تورمی منجر شود.

در چنین شرایطی ابزارهای مالی نوین اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. ابزارهایی که بتوانند بدون تزریق پول جدید. امکان ادامه فعالیت بنگاه‌ها را فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها در اقتصاد ایران اوراق گام یا گواهی اعتبار مولد است. این اوراق با این هدف طراحی شده که اعتبار بانکی را جایگزین پرداخت نقدی کند و امکان تأمین مالی زنجیره تولید را بدون فشار مستقیم بر پایه پولی فراهم آورد.

بانک مرکزی از دهه ۹۰ استفاده از گواهی اعتبار مولد را به عنوان یک ورقه‌پادار اسلامی در دستور کار قرار داد. برای این ابزار ادافنی ماندن رفع موانع پولی تولید، رونق تولید، هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد، تأمین سرمایه در گردش سالم و پایدار برای رشد و توسعه تولیدی و جلوگیری از نشت منابع از بخش مولد به فعالیت‌های غیرمولد در نظر گرفته شد. در نهایت نیز این ابزار در سال ۹۸ توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. طراحی این ابزار در واقع پاسخی بود به یک نیاز قدیمی در اقتصاد ایران. یعنی تأمین مالی تولید بدون آنکه هر بار راه‌حل در افزایش تسهیلات نقدی و رشد نقدینگی جست‌وجو شود. کارکرد اصلی اوراق گام در بازار پول، تأمین مالی اعتباری است، سازوکار آن نیز روشن است. یک بنگاه تولیدی برای خرید مواد اولیه از تأمین‌کننده خود با بانک عامل درخواست صدور اوراق گام می‌کند. بانک پس از بررسی وضعیت اعتباری بنگاه، اوراق را منتشر می‌کند و آن را در اختیار فروشنده مواد اولیه قرار می‌دهد. فروشنده نیز می‌تواند اوراق را تا سررسید نزد خود نگه دارد. در بازار ثانویه بفروشد یا آن را به عنوان ابزار پرداخت به حلقه بعدی زنجیره تولید منتقل کند. اهمیت این مکانیزم در آن است که در این شیوه، پول نقد جدیدی قبل از فرآیند تولید خلق نمی‌شود. در واقع وجه نقد به صورت مستقیم به حساب بنگاه واریز نمی‌شود بلکه اعتبار بانک جای آن را می‌گیرد. به این ترتیب گردش مالی در زنجیره تولید با تکیه بر اعتبار انجام می‌شود نه با اتکا به خلق پول جدید. همین ویژگی است که اوراق گام را به ابزاری متمایز از تسهیلات سنتی بانکی تبدیل می‌کند.

در زمان جنگ یا هر دوره‌ای که اقتصاد با نااطمینانی بالا روبه‌رو است، این خصوصیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. چون در چنین شرایطی دسترسی به نقدینگی دشوارتر می‌شود و هزینه استفاده از منابع نقدی بالا می‌رود. اوراق گام در چنین فضایی به بنگاه این امکان را می‌دهد که بدون دریافت وام نقدی، مواد اولیه مورد نیاز خود را تهیه کند و روند تولید را متوقف نسازد. اگر این اوراق در زنجیره تولید پذیرفته شود، حتی می‌تواند بدون تنزیل و بدون خروج از چرخه تولید میان فعالان اقتصادی دست به دست شود. این همان جایی است که گام از یک ابزار مالی معمولی فراتر می‌رود و به ابزاری برای حفظ جریان تولید تبدیل می‌شود. مزیت راهبردی دیگر اوراق گام، غیرتورمی بودن آن است، در اقتصاد ایران که رشد نقدینگی یکی از موتورهای اصلی تورم بوده است. هر ابزار تأمین مالی که بتواند میان تولید را بدون خلق پول جدید پاسخ دهد، از اهمیت زیادی برخوردار است. تفاوت اصلی اوراق

و احدهای تولیدی و جلوگیری از نشت منابع از بخش مولد به

فعالیت‌های غیرمولد در نظر گرفته شد. در نهایت نیز این ابزار در سال ۹۸ توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. طراحی این ابزار در واقع پاسخی بود به یک نیاز قدیمی در اقتصاد ایران. یعنی تأمین مالی تولید بدون آنکه هر بار راه‌حل در افزایش تسهیلات نقدی و رشد نقدینگی جست‌وجو شود.

کارکرد اصلی اوراق گام در بازار پول، تأمین مالی اعتباری است، سازوکار آن نیز روشن است. یک بنگاه تولیدی برای خرید مواد اولیه از تأمین‌کننده خود با بانک عامل درخواست صدور اوراق گام می‌کند. بانک پس از بررسی وضعیت اعتباری بنگاه، اوراق را منتشر می‌کند و آن را در اختیار فروشنده مواد اولیه قرار می‌دهد. فروشنده نیز می‌تواند اوراق را تا سررسید نزد خود نگه دارد. در بازار ثانویه بفروشد یا آن را به عنوان ابزار پرداخت به حلقه بعدی زنجیره تولید منتقل کند. اهمیت این مکانیزم در آن است که در این شیوه، پول نقد جدیدی قبل از فرآیند تولید خلق نمی‌شود. در واقع وجه نقد به صورت مستقیم به حساب بنگاه واریز نمی‌شود بلکه اعتبار بانک جای آن را می‌گیرد. به این ترتیب گردش مالی در زنجیره تولید با تکیه بر اعتبار انجام می‌شود نه با اتکا به خلق پول جدید. همین ویژگی است که اوراق گام را به ابزاری متمایز از تسهیلات سنتی بانکی تبدیل می‌کند.

در زمان جنگ یا هر دوره‌ای که اقتصاد با نااطمینانی بالا روبه‌رو است، این خصوصیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. چون در چنین شرایطی دسترسی به نقدینگی دشوارتر می‌شود و هزینه استفاده از منابع نقدی بالا می‌رود. اوراق گام در چنین فضایی به بنگاه این امکان را می‌دهد که بدون دریافت وام نقدی، مواد اولیه مورد نیاز خود را تهیه کند و روند تولید را متوقف نسازد. اگر این اوراق در زنجیره تولید پذیرفته شود، حتی می‌تواند بدون تنزیل و بدون خروج از چرخه تولید میان فعالان اقتصادی دست به دست شود. این همان جایی است که گام از یک ابزار مالی معمولی فراتر می‌رود و به ابزاری برای حفظ جریان تولید تبدیل می‌شود. مزیت راهبردی دیگر اوراق گام، غیرتورمی بودن آن است، در اقتصاد ایران که رشد نقدینگی یکی از موتورهای اصلی تورم بوده است. هر ابزار تأمین مالی که بتواند میان تولید را بدون خلق پول جدید پاسخ دهد، از اهمیت زیادی برخوردار است. تفاوت اصلی اوراق



گام با تسهیلات نقدی بانکی در همین نکته نهفته است. تسهیلات

نقدی می‌تواند از مسیر خلق سپرده و افزایش نقدینگی به فشار تورمی منجر شود. اما اوراق گام اگر درست در زنجیره تولید به کار گرفته شود، اعتبار را به شکل هدفمند وارد میادلات واقعی می‌کند. از انحراف منابع به سمت بازارهای غیرمولد جلوگیری می‌کند. محسن جلال، فعال اقتصادی در تحلیل نقش ابزارهای اعتباری تأکید کرده است که اقتصاد در دوره‌های نااطمینانی به سمت کمبود نقدینگی در بخش واقعی حرکت می‌کند و ابزارهایی که بتوانند اعتبار را در زنجیره میادلات واقعی به جریان بیندازند می‌توانند از توقف تولید جلوگیری کنند.

اوبر این نکته دست می‌گذارد که در چنین دوره‌هایی باید کانال‌های تأمین مالی از مسیرهایی تقویت شود که کمترین اثر تورمی را داشته باشند و امکان ردیابی مصرف منابع فراهم کنند. از نگاه او ابزارهای زنجیره‌ای اگر با نظارت و شفافیت اجرا شوند می‌توانند فشار بر شبکه بانکی را کاهش دهند و هزینه تأمین مالی را برای بنگاه‌ها قابل تحمل تر کنند. با این حال آمارها نشان می‌دهد که اوراق گام هنوز در آغاز راه است. سال گذشته ۱۷ بانک در مجموع بیش از ۲۶

هزار میلیارد تومان از طریق اوراق گام تأمین مالی تولید را انجام دادند. این عدد در مقایسه با حجم بسیار بزرگ تسهیلات نقدی پرداختی بانک‌ها برای سرمایه در گردش بنگاه‌ها، سهم اندکی را نشان می‌دهد. این فاصله بیانگر آن است که گام هنوز نتوانسته جایگاه مناسب با ظرفیت خود را در بازار تأمین مالی به دست آورد. اما همین سهم محدود نیز نشان می‌دهد که این ابزار قابلیت رشد دارد و در صورت رفع موانع می‌تواند به یکی از ارکان مهم تأمین مالی غیرتورمی تبدیل شود.

یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه اوراق گام، سختگیری در اعتبارسنجی است. بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط که بیش از دیگران به سرمایه در گردش نیاز دارند، به دلیل نداشتن سابقه اعتباری کافی یا به علت وجود چک برگشتی از دسترسی به این ابزار محروم می‌شوند. نتیجه این وضعیت آن است که ابزار گام بیشتر در اختیار بنگاه‌هایی قرار می‌گیرد که از ابتدا وضعیت بهتری دارند و آن دسته از بنگاه‌هایی که در شرایط جنگی و بحران به حمایت بیشتری نیاز دارند، از دایره استفاده بیرون می‌مانند.

مانع دیگری به‌ضعف آشنایی بسیاری از تولیدکنندگان با ساختار این ابزار بازمی‌گردد. برای یک بنگاه کوچک، فرآیند صدور اوراق گام ممکن است پیچیده و زمان‌بر به نظر برسد. اعتبارسنجی، معرفی تأمین‌کننده به بانک، ثبت در سامانه گام و در صورت لزوم معامله در بورس، مجموعه‌مراحلی است که برای بسیاری از واحدهای کوچک بدون نیروی تخصصی مالی و حقوقی آسان نیست. به همین دلیل بخشی از محدود بودن استفاده از این ابزار نه به ضعف ذاتی آن بلکه به دشواری اجرایی و کمبود آموزش بازمی‌گردد. چالش مهم دیگر، نیاز به بازار ثانویه عمیق و نقدشونده است. اگر تأمین‌کننده‌ای که اوراق را دریافت می‌کند مطمئن نباشد که در صورت نیاز می‌تواند آن را با هزینه منطقی نقد کند، انگیزه کمتری برای پذیرش آن خواهد داشت. در شرایط جنگی که سطح نااطمینانی بالاست، این موضوع اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. اگر بازار ثانویه عمق کافی نداشته باشد، نرخ تنزیل بالا می‌رود و هزینه تأمین مالی برای بنگاه‌ها افزایش پیدا می‌کند. در این صورت بخشی از مزیت اقتصادی گام تضعیف خواهد شد.

در کنار این موانع، یک مسئله مهم دیگر نیز وجود دارد و آن لزوم هماهنگی حداکثری میان بازیگران زنجیره است. اوراق گام زمانی به بهترین شکل کار می‌کند که حلقه‌های مختلف تولید آن را به عنوان ابزار پرداخت بپذیرند. هرچه این پذیرش گسترده‌تر باشد، نیاز به نقد کردن اوراق کمتری می‌شود و مزیت غیرتورمی آن بیشتر خود را نشان می‌دهد. اما اگر تنها بخشی از زنجیره آن را قبول کند و سایر حلقه‌ها همچنان بر دریافت پول نقد اصرار داشته باشند، کارایی این ابزار محدود خواهد شد.

برای آنکه اوراق گام در شرایط جنگی به یک ابزار جدی و مؤثر برای تأمین مالی تولید تبدیل شود، چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد. نخست آنکه آموزش‌های عملی و ساده به تولیدکنندگان به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط داده شود تا آنان با سازوکار این ابزار آشنا شوند. دوم آنکه فرآیند صدور و استفاده از اوراق تا حد امکان ساده‌سازی شود. سوم آنکه بازار ثانویه این اوراق تقویت شود تا نگرانی از بیات نقدشوندگی کاهش یابد، و چهارم آنکه در اعتبارسنجی بنگاه‌ها رویکردی متعادل‌تر اتخاذ شود تا بنگاه‌های بیشتری بتوانند به این ابزار دسترسی داشته باشند. اوراق گام البته قرار نیست به تنهایی همه مشکلات اقتصاد در شرایط جنگ را حل کند. این ابزار تنها زمانی به حداکثر کارایی خود می‌رسد که در کنار سایر سیاست‌های اصلاحی به کار گرفته شود. اصلاح نظام بانکی، بهبود فضای کسب‌وکار، مدیریت سمت عرضه و کاهش موانع تولید همگی برای موفقیت چنین ابزارهایی ضروری هستند. با این حال ارزش اصلی گام در آن است که یک مسیر متفاوت پیش روی سیاست‌گذار می‌گذارد.

مسیریه که در آن تأمین مالی تولید لزوماً با افزایش نقدینگی و فشار بر پایه پولی همراه نیست، در نهایت می‌توان گفت که در اقتصاد جنگی مسئله فقط تأمین منابع نیست بلکه چگونگی تأمین منابع اهمیت بیشتری دارد.

اگر حمایت از تولید از مسیرهای تورم‌زا انجام شود، فشار آن دیر یا زود به کل اقتصاد بازمی‌گردد

و خود بنگاه‌های تولیدی را نیز گرفتار می‌کند. اما اگر ابزارهایی مانند اوراق گام بتوانند با تکیه بر اعتبار بانکی و زنجیره مبادلات واقعی، سرمایه‌ها در گردش را بدون خلق پول جدید تأمین کنند. آن وقت می‌توان از آنها به عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای خرید تسهیلات بانکی و زنجیره مبادلات واقعی، سرمایه‌ها در گردش را بدون خلق پول جدید تأمین کرد. آن وقت می‌توان از آنها به عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای حفظ تولید در روزهای سخت یاد کرد. آینده اوراق گام به میزان توان سیاست‌گذار و رفع موانع اجرایی و جلب اعتماد فعالان اقتصادی بستگی دارد. اما ظرفیت این ابزار برای تبدیل شدن به یک بازی مهم در تأمین مالی غیرتورمی تولید، ظرفیتی است که نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت.



واقعیت آن است که خرید تضمینی فقط به اعلام قیمت محدود نمی‌شود. کشاورزان زمانی به این سیاست اعتماد می‌کنند که اطمینان داشته باشند محصول تولیدی آن‌ها در موعد مقرر تسویه خواهد شد. در غیر این صورت، بخشی از تولیدکنندگان ممکن است در سال‌های آینده سطح زیرکشت خود را کاهش دهند یا به سمت محصولات دیگری حرکت کنند که بازگشت سرمایه سریع‌تری دارند. هرچند هنوز چند ماه تا آغاز کشت پاییزه باقی مانده اما تصمیم‌گیری کشاورزان برای فصل آینده از همین روزها آغاز می‌شود. تأمین بذر، آماده‌سازی زمین، خرید نهاده‌ها و برنامه‌ریزی مالی نیازمند نقدینگی و صادراتی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، حفظ ظرفیت تولید داخلی گندم نه یک انتخاب، بلکه ضروری راهبردی برای کشور محسوب می‌شود.

بیشتری برای ورود به فصل جدید مواجه خواهد شد. کارشناسان معتقدند امنیت غذایی تنها به تولید یک‌ساله وابسته نیست، بلکه به استمرار تولید در سال‌های متوالی بستگی دارد. اگر سیاست خرید تضمینی نتواند رضایت تولیدکنندگان را جلب کند، کشور ممکن است در سال‌های آینده با کاهش تولید داخلی و افزایش وابستگی به واردات مواجه شود.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که بازار جهانی غلات در سال‌های اخیر بارها تحت تأثیر تنش‌های ژئوپولیتیک، تغییرات اقلیمی و محدودیت‌های صادراتی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، حفظ ظرفیت تولید داخلی گندم نه یک انتخاب، بلکه ضروری راهبردی برای کشور محسوب می‌شود.